

وصیت‌های بیست‌گانه امیر مومنان (ع)

از جمله مسائلی که بسیار می‌شود درباره نحوه شهادت امیر مومنان(ع)، محل و حالت ضربت خوردن آن حضرت است؛ در این باره تحقیقی تاریخی به شرح ذیل صورت گرفته است:

دو نوع گزارش در تاریخ وارد شده است، دسته‌ای از گزارشات ضربت و ترور را در هنگام ورود به مسجد نوشته‌اند که این ملجم در ورودی، کمین کرد و هنگام ورود وقتی که امام، خفتگان را برای نماز بیدار می‌کرد ناگهان اقدام به ترور نمود^۱؛ دسته‌ای دیگر برآنند که این ملجم در مسجد خوابیده بود و حضرت وقتی از کنارش می‌گذشت او را برای نماز بیدار کرد و خود پس از گفتن اذان تا اجتماع مردم به نافله صبح مشغول شد؛ دراین هنگام این ملجم مرادی ضربتی بر فرق حضرت وارد کرد^۲ گزارش دیگری از این دسته چنان است که علی(ع) رو به سوی مسجد نهاد و در ماذنه اذان صبح را اعلام فرمود و به پیامبر صلوات فرستاد و بعد داخل مسجد شد و خفتگان را برای نماز بیدار کرد و سپس به محراب رفت و به نماز ایستاد و پس از آنکه رکعتی از نماز خواند چون به سجده رفت عبدالرحمن بن ملجم منتظر شد تا به سجده دوم رفت، در این هنگام با شمشیر زهرآلود در حالی که شعار خوراج در جنگ صفین را فریاد می‌زد:«الله الحکم لالک یا علی» ضربتی به سر مبارک آن حضرت فرودآورد و شمشیر او بر محلی که سابقا شمشیر عمروبن عبیدو بر آن خورده بود اصابت کرد و فرق مبارکش را تا پیشانی شکافت و این ملجم و همراهانش گریختند اما گروهی از یاران آنان را دستگیر کردند^۳!

ابوالفتح رازی در تفسیر خود نوشته در نخستین رکعت و در هنگام قرائت سوره انبیاه که ۱۱آیه از این سوره را خوانده بود، این ملجم او را ترور کرد.^۴ البته این گزارش تفسیری، منافاتی با روایت امام سجاده(ع) ندارد چون مفسر قصد داشت بیان کند که امام به جای سوره، ۱۱آیه از سوره انبیاه را در این روز خوانده است؛ ظاهرا ادامه را ایشان گزارش نداده است که امام پس از رکوع به سجده رفته و در آن هنگام ترور شده است.

براساس روایتی از امام سجاده(ع) وقتی حضرت در حالت سجده بود، این ملجم ضربتی بر سر مبارک زد و او را ترور کرد!^۵

بسا توجه به گزارش‌های مختلف که مورخین و محدثین بزرگ نوشته‌اند، به‌ویژه روایت معتبری که از امام سجاده(ع) رسیده است، به یقین ترور در هنگام نماز واقع شد، چون این ملجم خود می‌دانست در این حالت است که می‌تواند کار خود را بدرستی انجام دهد؛ در حالی که امام کاملا فارغ از خود است و این حالتی بود در نماز و حالت خاص

همه با هم به ریسمان خدا چنگ بنزید و بر مبنای ایمان و خدانشناسی متفق و متحد باشید و از تفرقه بپرهیزید؛ پیغمبر(ص) فرمود: اصلاح میان مردم از نماز و روزه دائم افضل است و چیزی که دین را محو می کند فساد و اختلاف است.

آنکه حالت سجده بود و الا در حالت عادی جرئت و توان چنین کاری را نداشت که به امام نزدیک شود خاصه اینکه برخی نوشته‌اند که امام او را نیز به نماز بیدار کرد؛ در گزارش نقل شده از مرحوم مجلسی این‌گونه آمده که وی پس از اینکه امام به محل نماز رسید در پشت ستونی که به امام نزدیک بود رفت و در حین سجده دوم، ضربتی سخت بر سر مبارک وارد کرد و امام را ترور نمود .

نتیجه: با شناختی که از امام(ع) داریم ترور وقتی صورت گرفته است که ایشان توجهی به اطراف نداشته است پس یقینا هنگام ورود به مسجد نبوده و در حال نماز بوده است؛ و با توجه به اسناد احتمال قریب به یقین، در حال سجده دوم در رکعت اول بوده است.

علت نامگذاری «شب‌سجده قدر»

قدر در قرآن کریم به سه معنا به کار رفته است:

۱- اندازه و اندازه‌گیری: «فَذَٰلَٰلِذَٰلِكَ لَکُلُّ شَیْءٍ قَدْرًا» (طلاق/ ۳) خداوند برای هر چیزی قدر و اندازه‌ای قرار داده است.

۲- ارزش، منزلت، شرافت، عظمت و بزرگی: «مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ» (انعام/ ۹۱)؛ آنان بزرگی عظمت خدا را آن‌گونه که باید بشناسند

نتیجاً:

۳- ضیق و تنگ: «مَنْ قَدَرَ عَلَیْهِ رَوْحٌ فَلَهُ قُوَّةٌ وَمَا تَمَّ اللَّهُ» (طلاق/ ۷) و آنان که تنگدستانند از آنچه خدا به آنها داده است انفاق نمایند، پس باید اتفاق نماید

در اینکه قدر در «شب قدر» به چه معنایی استعمال شده است، اختلاف می‌باشد.

در بیان حوادث بر امام خمینی (س) در کتاب آداب الصلاة فهمیده می‌شود که هر کدام از این معانی نسبت به شب قدر قائل دار:

در وجه تسمیه «لیله القدر» علما اختلافاتی کردند. بعضی بر آنند که چون صاحب شرف و

منزلت است، و قرآن صاحب قدر، به توسط ملک صاحب قدر، بر رسول صاحب قدر، برای اُمت صاحب قدر وارد شده است، لیله القدرش گویند. بعضی گفته‌اند که برای آن «لیله قدر» به آن گویند که تقدیر امور و اُجال و ارزاق مردم در این شب می‌شود.

و بعضی گفته‌اند به واسطه آنکه از کثرت ملائکه زمین است، آن را قدر گویند و از آن قبیل «من قدر علیه رزقه» است.» (آداب الصلاة (آداب نماز)؛ ص: ۲۲۴)

اگر «قدر» به معنای اندازه و اندازه‌گیری باشد، در این صورت، شب قدر، شبی است که همه مقدرات تقدیر می‌گردد و قالب معین و اندازه خاص هر پدیده، روشن می‌شود.
مرحوم کلینی در کافی از امام باقر(ع) نقل می‌کند، که آن حضرت در جواب معنای آیه «نا نزلناه لی لیلۃ مبارکه» فرمودند:

«آری، شب قدر، شبی است که همه ساله در ماه رمضان و در دهه آخر آن، تجدید می‌شود. شبی که قرآن جز در آن شب نازل نشده و آن شبی است که خدای تعالی دربرآورش فرموده است: «فَیَهِمَا یَقْرَأُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ» (دخان/ ۴) در آن شب، هر امری با حکمت، مُتَعین و ممتاز می‌گردد.»

آن‌گاه فرمود: «در شب قدر، هر حادثه‌ای که باید در طول آن سال واقع گردد، تقدیر می‌شود، خیر و شر طاعت و معصیت، و فرزندگی که قرار

است متولد شود یا اجلی که قرار است فراسد یا رزقی که قرار است برسد.» (المیزان)
تفسیر

القرآن؛ ج: ۲، ص: ۳۸۲.
در این شب تمام حوادث سال آینده به امام هر زمان اراده می‌شود، و وی از سرنوشت خود و دیگران باخبر می‌گردد.

امام باقر(ع) می‌فرماید: «نه یمنزل فی لیله القدر الی ولی الامر تفسیر الامور سنة سنة، یومر فی امر



معارفMaaref@Kayhan.ir

وصیت‌های بیست‌گانه امیر مومنان (ع) در واپسین لحظات عمر

۶. خدا را! خدا را! درباره قرآن؛ مبدا دیگران در عمل به قرآن بر شما پیشی گیرند.

۷. خدا را! خدا را! درباره نماز؛ نماز پایه دین شما است.
۸. خدا را! خدا را! درباره کعبه، خانه خدا؛ مبدا حج تعطیل شود که اگر حج متروک بماند مهلت داده نخواهید شد و دیگران شما را طعمه خود خواهند کرد.

۹. خدا را! خدا را! درباره جهاد در راه خدا؛ از مال و جان خود در این راه مضایقه نکنید.

۱۰. خدا را! خدا را! درباره زکات؛ زکات آتش خشم الهی را خاموش می‌کند.



امیر المؤمنین علی علیه السلام

اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ خدا را! خدا را! در باره قرآن، مبدا دیگران در عمل کردن به دستور اتش از شما پیشی گیرند. نهی البلاغه، نامه ۴۷

لازم به یاد آوری است شهادت امام پس از دو روز از ترور بود نه

همان روز، روز ۱۹ ترور شده و روز ۲۱ رمضان به شهادت رسیدند.

آخرین وصیت امیر مومنان (ع)

از ساعتی که علی(ع) ضربت خورد تا ساعتی که جان به جان آفرین تسلیم کرد، کمتر از چهل‌وششت ساعت طول کشید، اما آن حضرت این فرصت را از دست نداد و دقیقه ای از پند و نصیحت و راهنمایی خودداری نکرد؛ وصیتی در بیست ماده به این شرح تقریر کرد و نوشته شد:

«بسم الله الرحمن الرحيم. این آن چیزی است که علی پسر ابوطالب وصیت می‌کند. علی به وحدانیت و یگانگی خدا گواهی می‌دهد و اقرار می‌کند که محمد بنده و پیغمبر خداست؛ خدا او را فرستاده تا دین خود را بر دین‌های دیگر غالب گرداند. همانا نماز و عبادت و حیات و ممات من از آن خدا و برای خداست، شریکی بر او نیست، من به این امر شده ام و از تسلیم شدگان خدایم.

دینگی ما رشب قدر ز دیدگاه امام خمینی (ره)

• **حجت‌الاسلام هوشیاری**



شب قدر وجود ندارد.

۳. برخی نیز معتقد بوده‌اند که شب قدر یک شب در تمام سال است، ولی معلوم نیست آن شب کدام است، اگرچه در زمان حیات پیامبر در ماه رمضان بوده است.

۴. گروهی دیگر از اهل سنت اعتقاد دارند که طبق حدیث نبوی شب قدر قدر در یکی از ده شب آخر ماه رمضان واقع شده است. اغلب شب بیست و هفتم را شب قدر می‌دانند و در آن شب به دعا و شب‌زنده‌داری می‌پردازند.

اما از نظر شیعه بر اساس حدیثی که از حماد بن عثمان نقل شده است، که وی از حسان بن علی و از نیز از امام ششم شیعیمان امام جعفر صادق(ع) نقل کرده است، شب قدر تا قیامت باقی است. در ماه رمضان واقع است.

در روایات متعددی آمده است که شب قدر یکی از سه شب ۱۹، ۲۱ و ۲۳ ماه رمضان است که احتمال شب بیست‌وسوم بیشتر است. در اصول کافی نیز آمده است که شب قدر در شب نوزدهم، و ایام در شب بیست‌ویکم، و امضا در شب بیست‌وسوم است.

کدام شب، شب سرنوشت است؟

– حضرت امام معتقدن اخباری که در باب تعیین شب قدر وارد شده ممکن است قابل جمع باشند، به این صورت که در عالم طبیعت شب قدر مظاهری دارد که در نفس و کمال یا در هم فرق می‌کند و آن صورت و مظهر کامل که برای پیامبر اکرم (ص) محقق شده، در بین چند شب مخفی است.

ایشان در کتاب آداب الصلاة چنین فرموده‌اند:

۶. خدا را! خدا را! درباره قرآن؛ مبدا دیگران در عمل به قرآن بر شما پیشی گیرند.

۷. خدا را! خدا را! درباره نماز؛ نماز پایه دین شما است.
۸. خدا را! خدا را! درباره کعبه، خانه خدا؛ مبدا حج تعطیل شود که اگر حج متروک بماند مهلت داده نخواهید شد و دیگران شما را طعمه خود خواهند کرد.

۹. خدا را! خدا را! درباره جهاد در راه خدا؛ از مال و جان خود در این راه مضایقه نکنید.

۱۰. خدا را! خدا را! درباره زکات؛ زکات آتش خشم الهی را خاموش می‌کند.

خدا را! خدا را! درباره جهاد در راه خدا؛ از مال و جان خود در این راه مضایقه نکنید.

۱۱. خدا را! خدا را! درباره ذریه پیغمبرتان؛ مبدا مورد ستم قرار بگیرند.

۱۲. خدا را! خدا را! درباره صحابه و یاران پیغمبر؛ رسول خدا درباره آنها سفارش کرده است.

۱۳. خدا را! خدا را! درباره فقراء و تهی‌دستان؛ آنها را در زندگی شریک خود سازید.

۱۴. خدا را! خدا را! درباره بردگان و زیردستان که آخرین سفارش پیغمبر درباره اینها بود.

۱۵. کاری که رضای خدا در آن است در انجام آن بکوشید و به سخن مردم ترتیب اثر ندهید.

۱۶. با مردم به خوشی و نیکی رفتار کنید، چنانکه قرآن دستور داده است.

۱۷. امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید؛ نتیجه ترک آن این است که بدان و ناپاکان بر شما مسلط خواهند شد و به شما ستم خواهند کرد، آنگاه هر چه نیکان شما دعا کنند دعای آنها مستجاب نخواهد شد.

۱۸. بر شما باد که بر روابط دوستانه میان خود بیفزایید، به یکدیگر نیکی کنید، از کناره گیری از یکدیگر قطع ارتباط و تفرقه و تشتت بپرهیزید.

۱۹. کارهای خیر را به مدد یکدیگر و به‌طور جمعی انجام دهید و از همکاران در مورد گناهان و چیزهایی که موجب کدورت و دشمنی می‌شود بپرهیزید.

۲۰. از خدا بترسید که کیفر خدا شدید است.

خداوند همه شما را در کنف حمایت خود محفوظ بدارد و به امت پیغمبر توفیق دهد که احترام شما و احترام پیغمبر خود را حفظ کنند. همه شما را به خدا می‌سپارم. سلام و درود حق بر همه شما.»
پس از این وصیت دیگر سخنی جز لا اله الا الله از علی شنیده نشد، تا جان به جان آفرین تسلیم کرد.^{۱۱}

پی‌نوشت‌ها:

[۱] شیخ مفید، الإرشاد؛ قم ،ال بیت ۱۴۱۶، ج ۹ص، طبری اعلام الوری،

وجه تسمت انتشارات اساطیر، ۱۳۸۸ص، ۲۸۱

[۲] اربلی، کشف الغمه، ج. ۱، ص ۵۸۴

[۳] مجلسی، بحال‌النوار، ج. ۴۲، ص ۲۸۱

[۴] ابوالفتح رازی، روش‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیرالقرآن، استان قدس

رضوی، ۱۴۰۸، ص ۱۵۵، ص ۳۸۸.

[۵] شیخ طوسی، امالی، ص: ۶۵۰

[۶] مقاتل الطالیین، ۴۴- ۴۳، کامل‌الانیر، جلد ۳، ۱۹۷۰- ۱۹۴۰، مروج‌الذهب

مسعودی، جلد۲، ص: ۴۲- ۴۰، اسدالغابه جلد ۴.

•مرکز مطالعات و پاسختوگی به شبهات حوزه علمیه قم

روایت کنیم به اسناد خود تا سفیان بن السیطک گفت: گفتم به حضرت صادق(ع) تعیین فرما لیله قدر را برای من مفردا، فرمود: شب بیست وسوم، و از آن جمله آن است که روایت کنیم به اسناد خود که تازه از عبدالواحد بن المختار الأضمری گفت:

سؤال کردم از حضرت باقر(ع) از لیله قدر، فرمود: به خدا قسم خیر می‌دهم به تو و تعمیه نمی‌کنم به تو. آن اول شب از هفت شب آخر است.» پس از آن از زراره نقل می‌کنند که گفته آن ماهی که

حضرت تعیین فرمود، بیستونه روز بود. پس از آن روزها در درجه ایمانش حظ و بهره می‌برد. حضرت تعیین فرمود، بیستونه روز بود. پس از آن روزها در درجه ایمانش حظ و بهره می‌برد.

حضرت امام خمینی (س) می‌فرماید: «دعوت مراتب داره، اجابت هم مراتب داره.

آن مرتبه اعلا اجابت آنی است که پس از حصول مقدمات و ریاضاتی که رسول خدا(ص) کشیدند منتهی شد به اینکه خدای تبارک و تعالی از او ضیافت کرد به نزول قرآن.» (صحیفه امام؛ ج: ۱۷؛ ص: ۴۹۰)

شب قدر، شب دعا، تضرع، توبه و انابه و توجه به پروردگار است. شب‌هایی از قید ملاقات‌های خودشان را در ماه مبارک رمضان تعطیل می‌کردند و با تلاوت قرآن و دعا و مناجات ماه را سپری می‌کردند.

همچنین حضرت امام در کتاب عرفانی «آداب الصلاة» به ذکر روایات متعددی در باب فضیلت این شب‌ها و بهترین عبادات در این شب‌های قدر می‌پردازند می‌فرمایند:

رویه حضرت امام خمینی(س) در این ماه مبارک رمضان، خصوصاً شب‌های قدر اشتغال به عبادت و مناجات با معبود خویش بود. ایشان ملاقات‌های خودشان را در ماه مبارک رمضان تعطیل می‌کردند و با تلاوت قرآن و دعا و مناجات ماه را سپری می‌کردند.

بدان که از برای «لیله القدر» چنانکه حقیقت

و باطنی است که به آن اشاره شد، از برای آن صورت و مظهری است، بلکه مظاهری است در عالم طبع، و چون مظاهر ممکن است در نفس و کمال فرق کند، از این جهت ممکن است بین اقوال و اخباری که در باب تعیین «لیله‌القدر» وارد شده است جمع نمود به اینکه تمام آن لیلی شریفه که در روایات است از مظاهر «لیله‌القدر» است، الا آنکه بعضی با بعضی در شرافت و کمال مظهریت فرق دارد.

و آن شب شریفی که تمام ظهور «لیله‌القدر» و شب وصل تام ختمی و وصول کامل خاتمی است، در تمام سال، یا در شهر مبارک رمضان، یا در عشر آخر آن، یا در لیلی ثلاثه، مخفی است. و در روایات علمه و خاضه نیز اختلافاتی است. و در روایات خاصه نیز به طریق تردید، در شب نوزدهم، و بیست‌ویکم، و بیست‌وسوم، مذکور شده، و گاهی تردید بین شب بیست و یکم، و بیست او سوم شده است. (آداب الصلاة، ص: ۲۲۱)

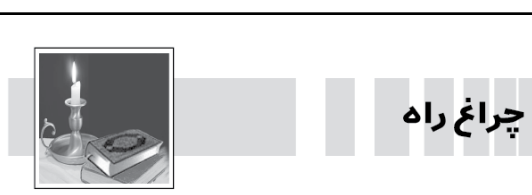
یکی از اعمال شب قدر احیا و شب‌زنده‌داری است در آن است، که حضرت امام می‌فرماید:

«کسی که از حضرت باقر(ع) نقل است که: «کسی که احیاء کند شب قدر را، آمرزیده شود گناهان او گرچه به عدد ستارگان آسمان و وزن کوهها و وارد به مکشفه و بیان. از آن جمله آن است که

صفحه ۷

یک‌شنبه ۵ خرداد ۱۳۹۸

۲۰ رمضان ۱۴۴۰ - شماره ۲۲۱۹۵



آثار مجالست با قرآن

قال‌الامام علی(ع): «ما جالس هذا القرآن احد، الا قام عنه

بزیاده او نقصان: زیاده فی هدی او نقصان من عمی»

امام علی(ع) فرمود: کسی با این قرآن مانوس و همنشین نشد، مگر آنکه چون از نزد قرآن برخاست با زیادی یا نقصان و کاستی همراه بود: زیادی در هدایت و یا کاستی در کوردلی.^(۱)

۱- نهج‌البلاغه – خطبه ۱۷۵



انس پیامبر(ص) با قرآن

یکی از ویژگی‌های عرفانی پیامبر گرامی(ص) مانوس بودن با قرآن بود. سعدبن‌هشام گوید: نزد عایشه همسر رسول خدا(ص) رقتسم و از اخلاق آن حضرت پرسیدم؛ او به من گفت: آیا قرآن می‌خوانی؟ گفتم: آری، اخلاقی رسول خدا مطابق قرآن است. آهنگ صدای رسول خدا(ص) چنان بود که قرآن را از همه مردم زیباتر و دلبرتر می‌خواند. چنانکه انس بن‌مالک خدمتکار پیامبراکرم(ص) می‌گوید: رسول خدا(ص) هنگام خواندن قرآن، آهنگ صدایش را می‌کشید.

این مسعود که از کتابان وحی بود، می‌گوید یک روز رسول خدا(ص) به من فرمود: مقصداری قرآن بخوان تا من گوش کنم.

من سوره مبارکه نساء را می‌خواندم تا رسیدم به آیه ۴۱ و کیف اذا جننا من کل امة بشهید و چنانکه علی هؤلاء شهیداً: چگونه باشد آن هنگام که از هر امتی گواهی آریم و تو را برای این امت به گواهی خواهیم.

همین که این آیه قرائت شد، دیدم چشمان رسول خدا(ص) پر از اشک شد، سپس فرمود: «دیگر بس است»^(۱)

۱- محجة البيضاء، ج ۴، ص ۱۲۰



پرسش و پاسخ

وحیانی بودن الفاظ و کلمات قرآن (۱)

پرسش:

آیا الفاظ و کلمات قرآن کریم همانند مفاهیم آن وحیانی و از سوی خدای متعال است یا اینکه آنها را ذهن خود پیامبر گرامی(ص) براساس توانمندی خود بر زبان جاری ساخته است؟

پاسخ:

برخی معتقدند: «وحی همان الهام است یعنی همان تجربه‌ای است که شاعران و عارفان دارند، هرچند پیامبر(ص) این را در سطح بالاتری (آن هم رویاهای خود) تجربه می‌کند «این سخن مفهومی این است که الفاظ و کلمات قرآن کریم محصول ذهن خود پیامبر(ص) است نه قول و کلام خدای متعال. در اینجا به نحو اجمال پاسخ این شبهه را مطرح و دلایل متعددی را بر وحیانی بودن الفاظ و کلمات قرآن بیان می‌کنیم:

۱- دلیل اول: اعجاز بیانی قرآن

تحدی قرآن که در آیه‌های متعددی از قرآن آمده، بسیاری از موارد مربوط به اعجاز بیانی و ساختار لفظی قرآن است، و دامنه این تحدی نه تنها کالفران و مشسرکان بلکه تمام انسان‌ها و حتی شخص پیامبر را نیز در برمی‌گیرد، پس خود پیامبر نیز به عنوان یک انسان و بدون وحی الهی توان آوردن چنین کتابی را ندارد.

۲- دلیل دوم: تعبیر قول و قرائت نسبت به وحی
در آیات چندی، از قرآن به قول یاد شده است «نه لقول رسول کریم» این (قرآن) کلام فرستاده برزگواری (جبرئیل امین) است. (تکویر- ۱۹)

«نا سنلقى علیک قولاً قلیلاً» چرا که ما به زودی سخنی سنگین بر تو القا خواهیم کرد. (مزمّل- ۵) همچنین در آیات دیگری نیز تعبیرهای قرائت، تلاوت و ترتیل به کار رفته است.

«فانذرت القرآن» هنگامی که قرآن را خواندی (نحل-۹۸)،«ذلک نتلوه علیک من الایات و الذکر الحکیم» این‌ها را که بر تو خواندیم از نشانه‌های (حقانیت تو) و یادآوری حکیمانه است. (آل‌عمران- ۵۸) «و رتل القرآن ترتیلاً» قرآن را با دقت و تامل بخوان (مزمّل- ۲۴)
واژه قول بر مجموع دل و مدلول اطلاق می‌شود، و نه مدلول تنها، واژه قرائت عبارت است از بازگو کردن عبارتها و الفاظی که دیگری تنظیم کرده است. واژه تکلم انشای معنا با لفظ است که خود انسان تنظیم می‌کند. (علوم قرآنی، محمدهادی معرفت، ص ۵۸) نتیجه اینکه الفاظ و عبارتهای قرآن از پیامبر(ص) نیست. از این رو نمی‌گوییم آن حضرت قرآن را تکلم کرد، بلکه می‌گوییم قرآن را قرائت یا تلاوت کرد.

ادامه دارد...



سلوک عارفانه

تقوا، ثمره اطاعت و بندگی خدا

(بدان ای سالک راه خدا) مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان درباره روزه می‌گوید: «در خصوص روزه برگشتن آثار افساس در انسان را در جمله «شاید باقیاشوید» بیان کرده است و می‌گوید فایده روزه تقواست: و آن خود سودی است که عاید خود شما می‌شود؛ و هر که بخواید به عالم طهارت و رفعت متصل شود و به مقام بلند کمال و روحانیت ارتقا یابد، اولین چیزی که لازم است بدان ملتزم شود این است که از افسارگسیختگی خود جلوگیری کند و بدون هیچ قید و شرطی سرگرم لذت‌های جسمی و شهوات بدنی نباشد؛ و این تقوایی که قرآن به آن اشاره می‌کند تنها از راه روزه و خودداری از شهوات به دست می‌آید؛ و این خودداری از شهوات عبارت است از خودداری از شهوت شکم از خوردن و آشامیدن و شهوت جنسی و اگر مدتی از این سه چیز پرهیز کنند به تدریج نیروی خویشنداری از گناهان در آنان قوت می‌یابد و نیز به تدریج بر اراده خود مسلط می‌شوند و آن وقت در برابر هر گناهی عنان اختیار از کف نمی‌دهند و در تقرب به خداوند متعال دچار سستی نمی‌گردند»^۱

۱- تفسیر المیزان، ج:۲، ذیل آیه ۱۸۳ سوره بقره

صفحه معارف روزهای شنبه، یک‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۰۲۲۲۱-۳۲۹۶۱۹۹۱ - ۰۲۲۲۱-۳۵۲
Maaref@kayhan.ir